رولممتر ومسرت حاری در در مداری لیرا الدا مير سر در معار براسياء به طعه صوارى متدار لين بعلت داسو") سعادست دوی نامین ساسدامیال کوتا، عمل کرد میما کویل مدار الرحود عبوراي دهد اين امير باعث كم مندل مقارست مدار واحداس مرالان منور دممان اس بلسال سال سال مرالان اسر رساده ردرسای زیادی درسیم تدلیدستود والدولت منح به ملورت سری در مرامدار کیرل با علات دارس معاوست دوی سیار زیاد ما معادمال باز عل آده ومانه عمور حریان مىستود درمس مالتي الدولت منع در تبلت اصلى متاريس نيروى سحالة · electualo os come () Com () 1 : (a co duis) den Colle colos و صعورابدی نیم در قرطم معس طعل م R راجبای نطيم مى لينم كا I=Ix لالوا توسرحريايي راسال سعد